

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره چهارم - تیر ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۰

شیوه‌های طنزپردازی ابوالفضل زرویی نصرآباد در «رفوزه‌ها»

(ص ۲۷-۴۲)

مریم پراکنده،^۲ یدالله بهمنی مطلق^۳ (آنویسنده مسئول)، علی اکبر افراسیاب پور^۴

تاریخ دریافت مقاله: بهمن ۱۳۹۷ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تیر ۱۳۹۸

در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی شیوه‌های طنزپردازی ابوالفضل زرویی نصرآباد شاعر، پژوهشگر و طنزپرداز معاصر در مجموعه رفوزه‌ها که تقریباً دربردارنده همه طنزسروده‌های اوست، پرداخته شده است. زرویی در این اثر توانسته است با استفاده از شیوه‌های مختلف طنزپردازی اعم از استفاده از زبان محاوره‌ای، تقلید خنده‌دار از شعر دیگران، مهمل‌گویی، بازی با کلمات، استفاده از طنز موقعیت، ویران کردن سبیلها، مسخره کردن و مورد طعن قرار دادن دیگران، ستایش اغراق‌آمیز دیگران، استفاده از دشواژه‌های غیر رکیک، ذکر دلایل به ظاهر نامربوط، طعنه و کنایه‌های طنزآمیز، برجسته‌سازی، نوشتن پاورقی‌های طنزآمیز در توضیح شعرهای خود، تشبیه کردن انسان به حیوانات و کمک گرفتن از وزن و فضاهای خالی در شعر، اندیشه‌های سیاسی اجتماعی خود را بیان کند. زرویی در مجموعه رفوزه‌ها، تنگناهای اجتماعی را در آزرده‌خاطر مردم پیدا میکند و بار سنگین این ناگواریها را با زبانی به ظاهر تلخ از دل و روح خواننده برمیدارد و در قالبهای مختلف با زبانی روان، نشاط و خنده را بر لبها مینشاند و خود را به منتقد ادبی تبدیل میکند.

کلیدواژه‌ها: طنز اجتماعی، ابوالفضل زرویی نصر آباد، رفوزه‌ها، شیوه‌های طنزپردازی.

^۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

^۲ - دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی (m.parakandeh@yahoo.com)

^۳ - عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی (y_bahmani43m@yahoo.com)

^۴ - عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی (ali412003@yahoo.com)

Abolfazl Zarroi Nasr Abad's satirical ways in "Rofouzeha"

Maryam Parakandeh,^۱ Yadolla Bahmani Motlagh^۲ (corresponding Author), Aliakbar Afrasiabpour^۳

Abstract

In this article, an analytical descriptive method has been used to study the satirical techniques of contemporary poet, researcher and satirist Abolfazl Zarroi Nasrabad in a collection of essays that almost cover all of his tales. In this work, Zarroi has been able to use different techniques of satire, including the use of interlaced language, funny imitation of others' poetry, prayer, playing with words, using humorous position, destroying symbols, mocking and treating others Exaggerating praise for others, the use of non-rickety sophistication, the mention of seemingly irrelevant reasons, ironic teasers, humorous accusations, highlighting, writing satirical footnotes in explaining your poems, likening humans to animals, and helping to gain weight and empty spaces in The poetry of his social political ideas. In a series of rhetoric, Zaravi finds the social dilemma in a state of distress for people and draws the heavy burden of these misfortunes in a seemingly bitter language from the reader's heart and soul, and in various forms, with a fluent language, he luses joy and laughs on his lips, Literary critic.

Keywords: Social satire, Abolfazl Zarroi Nasr Abad, Rofouzeha, satirical ways.

¹ - Graduated from Farsi language and literature, Shahid Rajaei, Tarbiat University (m.parakandeh@yahoo.com)

² - Faculty Member of Shahid Rajaei Teaching University (y_bahmani43m@yahoo.com)

³ - Faculty Member of Shahid Rajaei Teaching University (ali412003@yahoo.com)

۱- مقدمه

ابوالفضل زرویی نصرآباد شاعر، پژوهشگر و طنزپرداز معاصر که بحق باید او را ملک الشعراء شعر طنز فارسی دانست، در سال ۱۳۴۸ در تهران دیده به جهان می‌گشاید. از سال ۱۳۶۸ فعالیت‌های مطبوعاتی و فرهنگی خود را در نشریات گل‌آقا، جام جم، ایرانیان، انتخاب، زن، مهر، کیهان ورزشی، بانو، جستجو، عروس، تماشاگران و همشهری با نام‌های مستعار ملانصرالدین، چغندر میرزا، ننه‌قمر، کلثوم‌ننه، آمیزممتقی، میرزایحیی و عبدل آغاز میکند. مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی می‌گیرد. او کمتر اثری را نوشته است که عالی یا شاهکار یا ماندگار نباشد. از همین رو گفتن اینکه او ملای طنزنویسی زمان ماست، چندان بیراه نیست. آثار منتشر شده‌اش عبارتند از: تذکره‌المقامات، افسانه‌های امروزی، وقایعنامه طنز ایران (کار مشترک با فریبا فرشادمهر)، کتاب گویای بامعرفتهای عالم (اولین آلبوم صوتی شعر طنز)، رفوزه‌ها (مجموعه شعر طنز)، حدیث قند (مجموعه مقالات طنزپژوهی)، غلاغه به خونه‌ش نرسید (مجموعه افسانه‌های طنزآمیز)، ماه به روایت آه (رمانی براساس زندگی حضرت ابوالفضل ع)، خاطرات سرپروفیسور حسنعلی‌خان مستوفی و کتاب مستطاب خرپژوهی. او فعالیت‌ها و افتخارات زیادی در عرصه فرهنگ و ادب دارد که ذکر آنها کلام را به درازا می‌کشاند.

زرویی اصولاً طنزپرداز کم‌کاری است. به کیفیت بیش از کمیت بها میدهد، از همین‌رو خوانندگان آثارش میدانند که آنچه از او منتشر میشود، قبل از نشر بارها از صافی ذوق سخت گیر او گذشته است. "رفوزه‌ها" در سال ۱۳۹۰ به همت انتشارات نیستان چاپ و منتشر میشود و به نوعی کارنامه شعری وی در طول بیست و یکی دو سال اخیر بشمار میرود. (رفوزه‌ها، زرویی: ص مقدمه ناشر) این مجموعه تقریباً دربردارنده همه طنزسروده‌های زرویی است؛ از شعر نو گرفته تا حکایت، ازهردری، اخوانیات، خودمانیها و اصل مطلب که این آخری اشعار طنزی است که شاعر در فاصله زمانی پاییز ۸۵ تا تابستان ۸۶ در انتقاد از مدیران، معاونان، مشاوران و ... دستگاه‌های اداری بصورت روزانه در روزنامه همشهری بچاپ رسانده است و کار چشمگیر او در این مثنویها این است که تمام کوشش خود را بکار برده تا خود را از سلطه ژورنالیسم برهاند و این خوراک هر روزه را بگونه‌ای تهیه کند که ماندنی باشد. در این زمینه موفق هم بوده است. در اخوانیات تعدادی از شعرها را به استادان و بزرگانی چون بهاءالدین خرمشاهی، مهرداد اوستا، علی معلم، احمد عزیزی، علی‌رضا قزوه، محمدعلی زم و... تقدیم نموده است. اثر وی از سه وجه ادبی، علمی و تکنیکی حایز اهمیت است. زرویی طنازی و شاعری را با هم جمع کرده است. چنانکه گفته‌اند: «او واقعیتی را از جهان انتخاب میکند که برای مخاطبان شناخته شده است. سپس در برابر این واقعیت، واکنشی از خود نشان میدهد که برای مخاطب ناشناخته است. اگر واقعیتی که از جهان خارج انتخاب شده،

تلخ باشد و واکنش به نوعی در برابر آن بنوعی احساس رضایت از مضحک بودن چنین واکنش در مخاطب بینجامد؛ طنز پدید می‌آید.» (پیش‌درآمدی بر طنز از منظر زبان‌شناسی، صفوی: ص ۶۱) تسلط وی بر ادبیات کلاسیک داخل و خارج، اشrafش بر شعر و نثر، دقت و هوشمندی‌اش در تطبیق حوزه‌های علوم انسانی، حفظ آرامش، متانت و پرهیز از جوردگی از او شاعری شیرین‌سخن و دوست‌داشتنی ساخته است. شعرهای او ضمن داشتن غنای هنری، جلوه‌زیباشناختی و اعتلای ذوقی از عمق فکر برخوردار است و در عین حال از زیباترین و موفق‌ترین شعرهای طنز محسوب می‌شود که با نگاهی شاعرانه و مضامین بکر سروده شده است. نام کتاب او برگرفته از بیتی از شعر "گفت‌وگوهای تنهایی" است.

۲- پیشینه تحقیق

طنز در عرصه‌های مختلف اجتماعی عدم تناسب‌هایی را که در ظاهر متناسب بنظر می‌رسند، نشان می‌دهد و هنرمندانه مایه خنده می‌شود. گفتار مطایبه‌آمیزی که به شکل نمادین و غیرمستقیم به واقعیت می‌پردازد، با طبع هر ملتی سازگار است. اولین کار جدی در شناخت طنز و طنزپردازان فارسی تحت عنوان "طنزآوران امروز ایران" در سال ۱۳۵۶ به همت بیژن اسدی‌پور و عمران صلاحی به چاپ می‌رسد. این کتاب نقطه آغازین بررسی و شناخت طنز و راهگشای حرکت‌های بعدی در این مسیر می‌گردد. از آن زمان تا امروز آثار نسبتاً خوبی در این زمینه منتشر شده است، که پرداختن به همه آنها یک مقاله مستقل می‌طلبد اما کتاب «طنز و تراژدی» از بهاءالدین خرمشاهی (۱۳۸۷ نشر ناهید)، پایان‌نامه «بررسی محتوایی طنز در اشعار محمد صالح آرام، ابوالفضل زرویی نصرآباد و خلیل جواد» از حمیده پریدل (۱۳۹۱، پیام نور مازندران)، مقاله «پژوهشی در کاربرد آرایه‌های ادبی در طنز معاصر فارسی و مقایسه اجمالی آنها در طنز انگلیسی» از محمد غضنفری (مجله جستارهای ادبی، تابستان ۸۱، شماره ۱۶۵)، پایان‌نامه «بررسی طنز اجتماعی در آثار ابوالفضل زرویی نصرآباد» از مهدیه رمضانپور (۱۳۹۴، دانشگاه زنجان) و «جلوه‌های طنز در آثار طنزسرایان برجسته دهه ۸۰» از مریم پراکنده (۱۳۹۴، دانشگاه شهید رجایی) نمونه‌ای از پژوهشهایی هستند که به موضوع این مقاله نزدیک‌ترند. هرچند کتابها و مقالات و پایان‌نامه‌های بسیاری در موضوعات مختلف مرتبط به طنز نوشته شده است، لکن تاکنون تحقیق مستقلی در زمینه موضوع مقاله حاضر نوشته نشده و از این نظر این مقاله گام تازه‌ایست در جهت معرفی نویسنده و اثر ارزشمند وی.

۳- شیوه‌های طنزپردازی در رفوزه‌ها

هر طنزپردازی برای ایجاد طنز از تجارب و موقعیت خود بهره می‌گیرد و شیوه‌ها و شگردهای مختلفی را به کار می‌گیرد. این روشها به علت گستردگی حوزه طنز و شوخ‌طبعی در ادبیات شفاهی و کتبی و زمینه فرهنگی و اجتماعی متعدد آن به قدری گسترده است که

نمیتوان بطور کامل همه آنها را شناسایی، دسته‌بندی و تبیین نمود و مدعی شد که در تمامی طنزها تنها از این روشها استفاده شده است، اما برخی از آنها بیشتر از سایر روشها مورد استفاده قرار گرفته که با جستجوی ظریف و نگاهی دقیق به آثار طنز براحته قابل شناسایی و معرفی‌اند. شگردهایی که در آفرینش طنز بکار گرفته میشود نسبتاً محدود است اما این روشها تنها مختص به طنز نیست و در گونه‌های دیگر شوخ‌طبعی از جمله هزل، هجو، فکاهه، مطایبه، لطیفه و... نیز یافت میشود. از آنجاکه تا کنون تحقیق جامع و مبسوطی در این زمینه صورت نگرفته است و آنچه که هست تنها اشارات مختصر و ناقص و جسته و گریخته پژوهشگرانی است که در این وادی قدم زده‌اند و به کلی‌گویی پرداخته‌اند، بدون تردید با بررسی تعداد بیشتری از آثار طنز علاوه بر شگردهای مشترک به شیوه‌های جدیدی نیز خواهیم رسید.

در تقسیم‌بندی انواع طنز که اغلب به «طنز اجتماعی، اخلاقی، تعلیمی، تفسیری، تمثیلی، رسانه‌ای، دینی و مذهبی، سیاسی، عاشقانه و فلسفی تفکیک میشود» (طنزگونه‌های ادب فارسی و انواع آن، حسینی کارزونی: ص ۱۱۸) زرویی به نوعی از همه آنها بهره‌برداری مینماید و اگرچه در طنزهای اجتماعی مهارت بیشتری از خود نشان میدهد، در دیگر انواع آن نیز هنرنمایی دارد و در مواردی بصورت تلفیقی از چند نوع آنها استفاده میکند که شاید بتوان از نوآوریهای او دانست. ویژگی برجسته رفوزه‌ها در طنز همین جنبه تلفیقی و ترکیبی آن است.

چنانچه از منظر زیبایی‌شناسی نگاهی باریک‌بینانه به زیباییهای لفظی و شگردهای شاعرانه زرویی در کتاب رفوزه‌ها بیفکنیم، بروشنی درمییابیم که شاعر در شیوه‌های طنزنویسی اشکال نوینی را خلق میکند که مطبوع شامه مخاطب است. او یک نگاه امروزی ایرانی به طنز دارد و در سبکها و شیوه‌های مختلف زیبایی و قدرت تمام طبع‌آزمایی میکند. شعرنویهای وی از بهترین انواع شعرنوی طنز است که نشان میدهد شاعر هم شعر نو را خوب میشناسد و هم شعر سنتی را. برخی از این شعرها میتوانند از بهترین و لطیفترین نمونه‌های طنز در ادبیات فارسی به شمار آیند. اینک به برخی از شگردهای طنزپردازی او اشاره میکنیم:

۱-۳- استفاده از زبان عامیانه و محاوره‌ای:

زبان عامیانه عناصر گوناگونی دارد که یکی از آنها واژه‌های محاوره‌ای و عامیانه است. اگرچه استفاده از زبان عامیانه در ظاهر بیانگر آن است که گوینده از سطح سواد کافی برخوردار نیست، لیکن شاعران و نویسندگان توانا گاه برای ایجاد نوعی هنجارگریزی و برجسته‌نمایی از زبان محاوره استفاده میکنند تا مخاطب را بخندانند و در ضمن آن، وی را به تأمل فروبرند. زرویی در ابیات زیر علاوه بر استفاده از واژه‌های عامیانه و محاوره‌ای زبان فارسی، فراخوانی دارد شبیه فراخوان‌های فروشنده‌های دوره‌گرد و از این جهت که ذهن

خواننده را در یک موضوع کاملاً جدی به سوی موضوعی غیرجدی و کمیک میبرد و یک تصویر ذهنی نسبتاً آشنایی برای مخاطب ایجاد میکند او را به خنده، لذت و تأمل برمیانگیزد.

«آی خانوما، آی آقاییون چاکرتون، مخلص‌تون...

آی خونه‌دار و بچه‌دار زنبیلو وردار و بیار» (رفوزه‌ها، زرویی: ص ۱۶۳)^۱
 «من نه از اون چشم سیات میترسم نه از ننه‌ت، نه از بابات میترسم» (همان: ص ۱۸۳)

۲-۳- تقلید خنده‌دار یا نظیره طنزآمیز:

تقلید مضحک یکی از فنون عمده طنزپردازی است. طنزنویس میکوشد در راه ایجاد طنز از نظیره‌گوییهای ضرب‌المثلها، اصطلاحات و تعابیر مربوط به عرف و آداب و رسوم قشرهای گوناگون جامعه بهره‌جسته، با استفاده از فن آشنایی‌زدایی و هنجارشکنی مطلوب و مطبوع سخنی متفاوت با آنچه که هست، بیافریند تا تأثیر بیشتر و مؤثرتری بر مخاطب بگذارد و به وسیله تحریف و مبالغه موجب سرگرمی، استهزا و گاه تحقیر شود. در این شیوه اولین چیزی که به ذهن میرسد، مشابهت بین اصل و تقلید از آن است. اگر اصل را ندانیم، نمیتوانیم به هنر طنزنویس پی ببریم. بدیهی است هر نوع تقلیدی، طنز نیست. اما زرویی در تقلیدی زیبا از شعرهای اخوان ثالث، از نوع زبان و نگارش او بهره میگیرد:

«مردمان بر گرد کوه مشکلات آنک / چهره‌ها وارفته، لب خاموش / ایستاده منتظر تا رادمردی آه‌نین پیکر / - یا اقلا (!) این نشد هم یک نفر دیگر - / دست بفشارد / وانگهی این کوه هیکل‌مند را از جای بردارد / ... وضع مردم سخت نامیزان / و سبیل جمله گردن کلفتان سخت آویزان» (همان: ص ۱۴)

و یا با اشاره به بندی از شعر نیمایوشیج تصویری طنزآلود میسازد:

«آی مردمی که آن سوی دریاها / شعر مرا میخوانید / اگر مرد میباشید / این بیت از شعر ملمع مکزیکی - آلمانی مرا ترجمان / کنید: / آخ... ایخ... اوخ / خخ خخخ خوخ! / ارادتمند: خورخور» (همان: ص ۱۳)

یکی از شگردهایی زرویی، تقلید طنزآمیز از مثنوی و بیان مولانا با مخاطب قراردادن "حسام‌الدین" فرزند هفت ساله‌اش است که او را مولوی‌وار نصیحت میکند و درباره مسائل اداری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با او سخن میگوید. این شیوه در بسیاری از شعرهای "خودمانی‌ها" و قسمت اعظم "اصل مطلب" به چشم میخورد:

«مدتی این مثنوی تاخیر شد» ای حسام‌الدین! کجایی؟ دیر شد!
 قصه باید گفت، اما قصه کو؟ گر تو میدانی، بیا، بنشین، بگو» (همان: ص ۷۵)
 «چانه‌ام تازه گرم شد همچین در نرو، گوش کن حسام‌الدین»

- به منظور کوتاه شدن طول ارجاعها، در متن به جای زرویی نصرآباد از زرویی استفاده شده است.

دست از این قورباغی بردار / ازی و ورجه ورجه هم شد کار؟» (همان: ص ۲۹۰)

۳-۳- مهمل‌گویی و بی‌معناگویی:

در این شیوه طنزپرداز با زبان، بیان و شکلی کاملاً جدی که در ظاهر عادی و معمولی به نظر می‌رسد، مطالبی مهمل و بی‌معنی را ارائه می‌کند. «بی‌معناگویی در واقع شعر نیست اما به دلیل آنکه گوینده در آن، چهره‌ای جدی دارد و با صلابتی تمام، سنتهای وزن و قافیه را رعایت می‌کند؛ بطوری که انسان میتواند شوخی بودنش را فراموش کند، به آن عنوان شعر داده‌اند. در حقیقت گونه‌ای ظرافت دلقکانه است که شعرا داشته‌اند. تذکره‌نویسان این نوع اشعار را "مسلوب‌المعانی"، "سهواللسان"، "تزریق‌گویی" و "تزریق‌خوانی" نامیده‌اند.» (هجو در شعر فارسی، نیکوبخت: ص ۱۰۹) از "همان‌گویی" نیز بعنوان نوعی شعر مهمل یاد شده است که «با بیان مطالب بدیهی و بی‌اهمیت فضای طنز را می‌آفریند. همان‌گویی تکرار بی‌فایده و غیرضروری یک مطلب در شیوه‌های گوناگون است.» (فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، اصلانی: ص ۲۵۷) "شعر بی‌معنی" از تفریحات عامیانه و گاه مایه سرگرمی انسانهای جدی بوده است:

«چگونه است آیا که زیرا هست؟ / و من زیرایی خود را می‌گمانم که گم شده است»
(رفوزه‌ها، زرویی: ص ۱۲)

«نه بدان‌سان که سنگی با فراخنای توهم شلنگی / ای بلندینه بنفش / که بسان انعکاس
قعر گمنامترین سروده‌هایم / دوست میداشتم!» (همان: ص ۱۱).

۳-۴- بازی با کلمات:

بازی با کلمات میتواند به شکلهای مختلفی انجام شود: معکوس کردن کلمه، سر هم یا جدا نوشتن یک کلمه مرکب که در هر یک با معنی متفاوتی روبرو باشیم، حذف یا جابجا کردن نقطه‌ها، حذف یا جابجا کردن حروف، استفاده از انواع جناسها و... هر یک از این اشکال اگر با چاشنی شوخ‌طبعی همراه باشد، میتواند ابزار مؤثری در خلق طنز باشد. «در این روش از تصویرپردازی بصری استفاده نمیشود و بیش از آنکه خنده‌دار باشد، هوشمندانه است. بازی با کلمات باید بسیار خوب طراحی شود و خیلی بدیع باشد تا مورد قبول عموم قرار گیرد. در ضمن برای بازار خارجی کاربردی ندارد چون ترجمه تأثیرگذاری از آنها نمیوان داشت.» (بررسی ویژگی‌های ساختاری محتوایی طنز در برنامه‌های رادیویی، داچک: ص ۷۸)

«میخواهی بگی: عاشقتم عزیزم / میگی که: من عاعاعاعا، چی چیزم!»

(رفوزه‌ها، زرویی: ص ۱۹۲)

«بیا ای خیمگی جان، سیخ‌ویک‌راست / برو بی‌ترس و وحشت توی تونل
چه تونل؟ تونلی از غرب تا شرق / سرش اینجا، تهش... آن سوی تونل!

برادر تونلش خیلی بزرگ است به این تونل نباید گفت تونل!»
(رفوزه‌ها، زرویی: ص ۴۱۳)

۳-۵- استفاده از طنز موقعیت:

گاه موقعیت خلق شده، طنزآمیز و خنده‌دار است و در عین حال شگفت‌انگیز و غیرمنتظره به گونه‌ای که باعث اعجاب میشود و مخاطب در برابر موقعیت ایجاد شده، چاره‌ای جز خندیدن ندارد. عالیت‌ترین و عمیق‌ترین نوع طنز است. در این طنز از قهقهه خبری نیست و در آثاری دیده میشود که به ظاهر جدی هستند اما در زیر ساخت خود نگاه دقیق نویسنده به ناهنجاریهای موجود را دارند. به عبارتی، روح طنز در این گونه آثار به چشم میخورد. طنز موقعیت برخلاف طنز عبارتی، ارتباط چندانی به لفظ ندارد. اساس آن مبتنی بر تصویرها و تصورها و مفهومیهاست. طنز رفتاری یکی از انواع طنز موقعیت است که در طنز افراد با رفتاری که از خود نشان میدهند مانند بازیگران کمدی موجب خنده میشوند. (نیشخند ایرانی، مجابی: ص ۱۸ و فرهنگ ادبیات جهان، خزائل، ج ۴: ص ۲۹۵۹ و مکتب‌های ادبی، سیدحسینی: ص ۸۱۴)

«بهر خارا نیدن ران چون بری دستی به جیب با هیاهو میرسند از راه، یک لشکر گدا»
(رفوزه‌ها، زرویی: ص ۱۰۳)

«عده‌ای در فریب خلق، استاد عده‌ای موبلندِ پاچه‌گشاد» (همان: ص ۴۲۴)

۶-۳- ویران کردن سمبلها:

سمبلها میدانی فراخ برای جولان طنزپردازان است. «سمبل عبارت است از هر پدیده‌ای که نشانگر پدیده‌ای دیگر با مفهومی گسترده‌تر باشد. بر این اساس خراب کردن سمبلها، یعنی هجوم بردن به امری که حمله مستقیم به آن امکان‌پذیر یا ساده نیست.» (شیوه‌ها و شگردهای طنز و مطایبه، شادروی‌منش: ص ۵۱)

«ماییم مردان فرار از تانک، از تیر آینده‌ساز مرز و بومی شیر تو شیر»

(رفوزه‌ها، زرویی: ص ۳۴)

در اینجا دفاع از وطن و تلاش برای ساخت آینده مرز و بوم که در نظر مردان غیور و وطن‌پرست مقدس و ارزشی است از طرف عده‌ای فاقد حمیت ملی به سخره گرفته شده است، البته غرض شاعر از ذکر این موضوع در نهایت برانگیختن غرور ملی است.

«پسرم مردمی که مرموزند بیشتر نیکبخت و بهروزند» (همان: ص ۲۹۷)

۷-۳- نسبت‌دادن شعری از یک شاعر به شاعری دیگر:

در بیت زیر مصراع دوم از عماد خراسانی است که رزویی تنها به جهت تناسب قافیه! به سنایی نسبت داده است:

«الحق چه خوش گفته ابوالمجد سنایی: "ای دل بلا، ای دل بلا، ای دل بلایی!"»

(همان: ص ۳۵)

و یا مضمون مصراع دوم بیت زیر که از مولوی است و شاعر برای خراب نشدن قافیه به تعبیر خود از اختیارات شاعری استفاده مینماید، نام شاعر را تغییر داده و آن را به رودکی نسبت میدهد:

«چه خوش گفت پیر سخن، رودکی: که فرض است با کودکان، کودکی»

(همان: ص ۶۹)

۸-۳- مسخره کردن و مورد طعن قرار دادن:

از مؤثرترین ابزارهای خنده‌انگیزی مورد تمسخر قرار دادن و طعنه‌زدن به اشخاص حکایت است. اکثر این طعنه‌ها به صورت غیرمستقیم و همراه با کنایه است. البته هدف مورد استهزا قرار دادن کسی نیست، بلکه نشان دادن نقطه منفی و زشتی در رفتار اوست تا فرد به خود آید و از رفتار زشت خود دوری کند:

«پسران اهل عشوه‌اند و تَتو عصر رزگونه است و زیرابرو» (همان: ص ۲۳۸)

«بی‌جهت می‌خورند لاییه‌ها پاطلاها و سرطلاییه‌ها!» (همان: ص ۳۹۳)

۹-۳- ستایش اغراق‌آمیز:

بنابراینچه که گفته‌اند «كُلُّ شَيْءٍ جَاوَزَ حَدَّهُ، يَنْعَكِسُ ضِدَّهُ» هرگاه ستایش کسی از حد طبیعی خود خارج گردد، به مسخره کردن او شبیه‌تر میشود؛ «زمانی که مدح و ستایش از حد معقول درگذرد و شاعر یا نویسنده برای خشنودکردن ممدوح خود آسمان را به زمین بدوزد و به اصطلاح دروغهای شاخ‌دار بگوید؛ از چنین مدحی شنونده احساس خنده میکند و خیال میکند که شاعر یا نویسنده قصد استهزا یا ریشخند ممدوح را داشته است، بویژه اگر طبیعت شاعر یا نویسنده، یعنی تمایل فکری او از پیش برای خواننده یا شنونده او روشن باشد.» (تاریخ طنز و شوخ‌طبعی در ایران و جهان اسلام، حلبی: ص ۸۰)

«ای قناسای قدت، موزون (!) / مقدمت میمون / ای سهی بالا / آمدی جانم به قربانت،

ولی حالا ...؟!» (رفوزه‌ها، زرویی: ص ۴۵)

«به ریاست اگر شدی منصوب میشوی بین مردمان محبوب

میشود در جریده‌ها اعلان بغل «کل من علیها فان»

«حضرت مستطاب والای...» یا برادر جناب آقای...»

چه شکوهی! چه قد و بالایی «چه‌سری، چه‌دمی، عجب‌پایی!»

توچنان شمع مجلس افروزی خستگی ناپذیر و دلسوزی» (همان: ص ۲۵۱)

۱۰-۳- استفاده از دشواژه‌های غیر رکیک:

تهکم، لعن، نفرین و دشنام از برنده‌ترین ابزارهای هجاگویان است که اغلب وقتی شعر و

سخنان‌شان خریداری نمییابد، از آن استفاده میکنند. در میان شاعران تازی و پارسی از این دست شاعران و نویسندگان دشنام‌گوی فراوانند. در ادب تازی جریر، اخطل، فرزددق و ابونواس، و از شاعران فارسی‌زبان میتوان انوری، سنایی، سوزنی و یغمای جندقی را نام برد. این شاعران ذاتاً دشنام ده نیستند بلکه شرایط محیط به گونه‌ای بوده که آنها را به این کار وامی‌داشته است. «تهکم نوعی از هزل است. فرق میان آنها این است که ظاهر تهکم، جدّ و باطن آن، استهزا است و هزل عکس آن است، یعنی ظاهر آن یاوه‌گویی است و باطن آن جد است. تهکم از سلاحهای گیرا و کارگر هجاگویی است و نیازمند روانی لفظ و زیبایی قالب است که مایه عظمت یافتن مفهوم میگردد.» (تاریخ طنز و شوخ‌طبعی در ایران و جهان اسلام، حلبی: ص ۸۷) لعن و نفرین نیز از شیوه‌هایی است که در متون مذهبی چون انجیل و قرآن کریم هم بکار رفته است. سوره لهب در قرآن کریم بهترین نمونه لعن و نفرین است: «شکسته باد دو دست ابولهب و بریده باد! مال او و آن چه گرد کرد، (عذاب) را از او دفع نکند. زود باشد که به آتشی زبانه کش درآید و زن او هیزم‌کش (دوزخ) باشد و در گردنش ریشمانی از لیف خرما (باشد!)» (قرآن کریم: لهب) اگرچه دشنام و نفرین و تهکم تصویب کتب مقدس را به همراه دارد اما نویسندگان زبردست آن را جز در مواقعی که هدف زدن ضربتی مؤثر باشد، به کار نمی‌برند و وسیله مؤثر آنها که از واکنش شدید نیز میتواند تا حدود زیادی جلوگیری کند، همان طنز است.

«آخ ای بدجنس لاکردار / یا برو جای دگر یا لااقل دست از سرم بردار!»

(رفوزه‌ها، زرویی: ص ۲۷)

«خواست تا لب وا کند آن بینوا گفت خاموش ای پلید بی حیا

تا مصمم گشتی اندر راه کج اقتصاد ملک را کردی فلج» (همان: ص ۷۳)

۱۱-۳- مقایسه:

مقایسه بین امور متضاد به دلیل داشتن فاصله زیاد علاوه بر اینکه میتواند مایه خنده شود نوعی طنز و انتقاد سازنده را نیز در پی دارد. شاعر در بیت زیر با اعتقاد به عدالت اجتماعی به سهمیه‌های متفاوت اعتراض دارد و با بزرگ‌نمایی این تفاوتها چاشنی طنز بیان خود را افزایش داده است.

«سهمیه ما اگر، هست یکی، پس چرا

قسمت ما "این‌قد" است، سهم شما "این‌هوا" است؟!»

(همان: ص ۹۱)

«این طرف، انحراف و لرزش‌ها آن طرف، انحطاط ارزش‌ها» (همان: ص ۲۹۲)

۱۲-۳- ذکر دلایل به ظاهر نامربوط:

طنز هنر ارتباط نامربوط‌هاست. «در سؤال و جوابهایی که در یک حکایت طنز رد و بدل

میشود، گاهی جوابهایی نامربوط به سؤال طرف مقابل داده میشود که ایجاد خنده میکند یا دلایلی ارائه میشود که این دلایل به ظاهر با منطق جامعه و منطق مورد قبول ما مطابقت ندارد ولی با منطق خود حکایت مطابقت کامل دارد و به دلیل اینکه ما انتظار شنیدن این پاسخ را نداریم، باعث خنده ما میشود» (نشانه‌شناسی مطایبه، اخوت: ص ۵۶/۱). این شیوه طنزپردازی به آرایه حسن تعلیل بسیار نزدیک است و در مواردی نیز با آن همپوشانی دارد. «گر مادر عیال تو چندی است دم‌دمی است / گر پرتقال میوه‌فروشی همه بمی است / گر بعض گوشت‌ها، بتر از چرم ساغری / از حیث محکمی است / بی‌دردسر هرآنچه که مشکل در عالمی است / تقصیر خاتمی است!» (رفوزه‌ها، زرویی: ص ۲۶)

«باری، البته در گلستان هست: "پسر نوح با بدان بنشست"...

گفت: از آنجا که اهل معرفتم لوطی و بامرام و باصفتم...

میشوم غرق تا که شر نشوم باعث خواری پدر نشوم» (همان: ص ۴۳۲)

۱۳-۳- طعنه و کنایه طنزآمیز:

به استفاده از کلمات با نیتی طنزآمیز گفته میشود که درست عکس آنچه را که بر زبان آمده، برساند. در این شیوه بازی با کلمات و ظرافت لفظی مهم است. سه آرایه ادبی زبان فارسی پاره‌ای از معانی گفته شده را به ذهن متبادر میکند: یکی تجاهل العارف، دیگری کنایه و سومی ایهام. از خصوصیات کنایه طنزآمیز معصومیت ظاهری و یا عدم اطلاع قهرمان از وقایع است. نویسنده به قصد انتقاد بی‌اطلاعی را در قهرمان خود به وجود می‌آورد. دو نوع کنایه طنزآمیز وجود دارد: یکی لفظی است و دیگری موقعیتی. اولی را میتوان به طعنه یا ریشخند تعبیر کرد، دومی چیزی است که در فارسی "بازی سرنوشت" خوانده میشود.

«آه ای رئیس‌کل دانشگاه آزاد / در جیب من دیگر نمیایی پشیزی / از لطف سرکار / من غوره‌ای بودم، ولی گشتم مویزی! / آیا میان آنچه در زنبیلان است، / هنگام ثبت‌نام در آغاز هر ترم / چیزی به نام رحم یا انصاف هم هست؟!» (همان: ص ۳۵)

«دو دست دارم و دو چشم و دو گوش / اما مرا بیش از یک چانه نیست / و پرچانگان را چگونه توانم دوست داشت؟» (همان: ص ۱۱)

۱۴-۳- برجسته‌سازی:

طنزپرداز از راههای مختلف میتواند برجسته‌سازی کند. «در مکتب فرمالیستها اصطلاح برجسته‌سازی یا پیش‌نمایش نیز معادل آشنایی‌زدایی به کار رفته است.» (فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد: ص ۴) «وظیفه طنزپرداز از گذشته تا امروز این بوده است که مسائل به ظاهر فراموش شده و عادی شده زندگی را برجسته کند و مهم جلوه دهد.» (ژنر، دوبرو: ص ۵۱) سنت شکنی و مخالفت با عرف و هنجار پذیرفته شده یک جامعه و علم کردن بیرق مخالفت اولین قدم طنزساز در برجسته‌سازی و هنجارگریزی به شمار میرود. آشنایی‌زدایی

با شیوه‌های متعددی چون ترس، تعجب، تمسخر و تفکر همراه است و جلوه‌های مختلف زندگی را با این روشها برجسته میکند. «این شیوه برمبنای غافل‌گیری استوار است و بیش از همه به زبان غرابت میبخشد.» (بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، وحیدیان کامیار: ص ۹۴) متناقض‌نمایی یا پارادوکس یکی از آرایه‌های خوب ادبی و از رایجترین ابزارهای نقد ادبی است که ماهیت پیچیده، مبهم و متضاد درون انسان را بیان میکند و عامل برجسته‌سازی میشود. این تکنیک زیبای ادبی در ساخت طنز در شعر مثل هر اثر ادبی دیگر پویایی خود را نشان داده است. زرویی در شعر زیر با استفاده از تکنیک متناقض‌نمایی طنزی شیرین و دلنشین خلق کرده و برجسته‌سازی شعر خود را تقویت نموده است.

«بنده برخلاف وضع ظاهری که عاجزم / شاعری مبارزم! / هر ورق ز شعر من / عطر و بوی خون تازه میدهد / (بالاخص اگر میان کاغذش / - روز عید - / گوشت، از دکان، کسی کند خرید!)» (رفوزه‌ها، زرویی: ص ۹)

البته باید یادآور شد که شاعر در خلق این لطیفه ادبی تنها از متناقض‌نمایی بهره‌نبرده، بلکه انتخاب واژگان مناسب و بجا، لحن حماسی طنزگونه و توضیح به ظاهر نامربوطش همگی در آفرینش آن تأثیرگذار بوده‌اند که میتوان گفت هنر زرویی بیشتر در تلفیق شیوه‌های مختلف طنزپردازی است.

«میرود از هر طرف رقصان و با لنگر گدا! / از دوسویت میرود، این‌ور گدا، آن‌ور گدا! / گر روی در خانه‌اش اطراف شمران یا ونک / دست کم دارد سه تا منشی، دوتا نوکر گدا!» (همان: ص ۱۰۳)

«باید البته ترش‌رو باشی / ناخوش‌احول و تندخو باشی / در محیط اداره مثل خروس / تا توانی عجل باش و عبوس» (همان: ص ۲۵۳)

۱۵-۳- نوشتن پاورقیهای طنزآمیز در توضیح شعرها:

طنزپردازی جولانگاه واژه‌سازی و واژه‌بازی است. زرویی گاهی اوقات برای اینکه نکته مورد نظر خودش را برجسته‌تر کند به توضیح طنزآمیز برخی از واژه‌های خودساخته در پاورقی می‌پردازد چنانکه در شعر زیر به توضیح واژه «پیقولاد» که باید برساخته ذهن او باشد پرداخته است:

بر خلاف کری من که ز «پیقولاد» است(*)

گوش ارباب مناصب، کر مادرزاد است

آنچه البته به جایی نرسد، فریاد اس!

«پیقولاد: نوعی از ثقل سامعه که به واسطه کشیده شدن گوش آدم توسط باغبان به علت بالا رفتن از درخت گوجه یا گردو در خردسالی حاصل میشود و با انواع دیگرش فرق دارد!» (همان: ص ۶۱)

و در توضیح دلیل تکرار قافیه در سه بیت زیر در پاورقی می‌آورد:

«بیا ای خیمگی جان، سیخ و یک راست برو بی ترس و وحشت توی تونل
چه تونل؟ تونلی از غرب تا شرق سرش این جا، تَهش ... آن سوی تونل!
برادر تونلش خیلی بزرگ است به این تونل، نباید گفت تونل!
*از آنجا که این تونل، خیلی تونل است؛ علمای فن شعر، تکرار قافیه را در همچین مواردی تا هفت، هشت، ده بار هم جایز می‌شمارند!» (همان: ص ۴۱۳)

۱۶-۳- تشبیه کردن انسان به حیوانات:

این شیوه بیشتر در افسانه‌ها، کاریکاتورها و کارتون‌ها اعمال می‌شود. «از قدیم افسانه-سرایان و داستان‌پردازان برای بیان مقاصد خود از جهان جانوران و حرکات و سکنات آنها سود جست‌ه‌اند، به این دلیل که گفتار صریح یا بدگویی یا ریشخند مستقیم بزرگان و فرمانروایان و قربانیان خود را کاری ناممکن میدیدند و دیگر این که با تشبیه کردن قربانیان خود به حیوانات که جز خوردن و زیستن و خوابیدن و بچه آوردن کاری نمیتوانند بکنند، آنها را از آسمان رفعت و شأن خیالی خودشان فرو میکشیدند.» (مقدمه‌ای بر طنز و شوخ‌طبعی در ایران، حلبی: ص ۶۶) استفاده از «دنیای حیوانات که خود نوعی کوچک کردن است به دو علت صورت می‌گیرد: یکی این که نویسنده برای اینکه مورد بازخواست و مجازات قرار نگیرد، شخصیت‌های خود را از میان حیوانات انتخاب میکند ولی در اصل این، انسانها هستند که از زبان حیوانات حرف می‌زنند و طنزنویس فرصتی برای انتقاد از اجتماع پیدا میکند، مانند موش و گربه عبیدزاکانی. دیگر آنکه طنزنویس مقایسه‌ای بین انسان و حیوان میکند و نشان میدهد که انسان علی‌رغم تمام فضایل و کمالات روانی موجودی است که غذا می‌خورد، اشتباه میکند، دیگران را فریب میدهد و اگر دستش بیفتد، هزاران نفر از هم‌نوعان خود را میکشد و هزار کار دیگر میکند که طبع حیوان راضی به انجام آن نیست. طنزنویس با این مقایسه نشان میدهد که انسان و جامعه انسانی غفلت‌زده دست کمی از حیوانات ندارد» (تاریخ طنز در ادبیات فارسی، جوادی: ص ۱۷/۱) و گاهی حتی به سطح نازل‌تر از جهان حیوانات یعنی به دنیای نباتات و جمادات نیز سقوط میکند. گاهی طنزنویس قربانی خود را با نام حیوانات خطاب میکند و یا به وسیله نام جانوران به او فحش و ناسزا می‌گوید که این هم نوعی تحقیر است:

«هر که را کبر و کین مسخر کرد میشود با زبان خوش، خر کرد»
(رفوزه‌ها، زرویی: ص ۳۴۸)

«رحم اصلاً نکن به خرد و کلان تا بترسند از تو مثل «فلان» (همان: ص ۲۸۵)

۱۷-۳- کمک گرفتن از وزن و فضاهای خالی در شعر:

در طنز، سکوت و فضای خالی هم میدانی برای هنرنمایی است. طنزپرداز با استفاده از

این تکنیک بسیاری از حرفهای ناگفتنی را میگوید و تخیل خلاق خواننده را نیز به پرواز وامیدارد.

«از سیاست اگر نمیگویم	نه تصور کنی که ترسویم
فی‌المثل هیچ باخبر شده‌ای	که
یا شنیدی که	 خورده؟» (همان: ص ۲۴۲)
«جمع کرده «الف» دکانش را	بسته آقای «نون» زبانش را
..... در لیست؟	... تازه این که چیزی نیست» (همان: ص ۲۴۳)

نتیجه‌گیری

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد ابوالفضل زرویی شاعر، نویسنده و پژوهشگر توانای معاصر از تلفیق روشهای کهن و نوین در طنزپردازی بخوبی بهره میبرد و در مجموعه «رفوزه‌ها» این هنرنمایی خود را در حدکمال به نمایش میگذارد. چون تا کنون تحقیقی در باره شیوه‌های طنزپردازی زرویی انجام نگرفته بود، در این مقاله تلاش گردید، روشهای ویژه این طنزپرداز مورد توجه قرار گیرد. یکی از وجوه ادبی این نوع طنزپردازی هنری است که در آن شاعر یا نویسنده با استفاده از تمام ظرفیتهای ادبی از قبیل استعاره، تلمیح، ضرب‌المثلهای، قصص و مثللهای عامیانه و رسمی به نوعی به بازتولید فرهنگ کهن و انتقال میراث گذشته به نسلهای جدید در قالب شیرین میپردازد که «رفوزه‌ها» نمونه‌ای جالب و موفق از این هنرنمایی به شمار می‌آید.

از طرف دیگر طنزپردازی نوعی نقدپردازی اجتماعی نیز به شمار می‌آید که طنز عقده‌ها و در دل مانده‌ها را که همواره جان و تن را در عرصه فردی و اجتماعی سنگین و ملال‌انگیز می‌سازد واکاوی و رهاسازی مینماید و نسیمی تازه در فضای سنگین موجود به جنبش در می‌آورد و روح خواننده را سبک و شاداب می‌سازد. در حقیقت طنز، خنده‌ای از ته دل است که گرفتگیهای در گلو مانده را با خود میبرد و نفسی تازه میبخشد. با بهره‌گیری از این شیوه است که زرویی همواره بر نقد و نقدپذیری تکیه دارد و از آن دفاع میکند تا فضای هنرنمایی خود را وسعت بخشد و با همین ویژگی بین طنز با فکاهه و مطایبه تفکیک قائل میشود. شاید بهترین ویژگی طنزپردازی زرویی در مجموعه رفوزه‌ها اصالت به شادی و نشاطی است که جامعه به آن نیاز دارد و طنز او با بهره‌گیری از همه عوامل هنری خود که بیش از همه موسیقی و ضرب‌آهنگ مناسب باشد، نوعی طرب را به سروده‌های خود میافزاید که به درک محتوا و پیام گوینده یاری میرساند و به وجد و نشاط میانجامد. این موسیقی در کنار صنایع لفظی و سجع و قافیه‌پردازی به کمال میرسد و خواننده در مییابد که این بهره‌برداری از زبان هنری برای هدفی مهمتر است و یکی از واقعیتهای اغلب تلخ اجتماعی پرده‌برداری میشود و

یک حرف که در دل مانده بود به شیواترین بیان ابراز میگردد و گویی خواننده درد دل کرده باشد و به نشاط برسد.

زرویی در طنز خود شیوه‌ای خاص و هنرمندانه را بخوبی دنبال میکند و آن تلفیق ادبیات رسمی با زبان شفاهی و رایج کوچه و بازار است که طنز او را برای اقشار جامعه قابل درک میسازد و در عین حال پلی برای پیوند ادبیات و سرمایه‌ ارزنده ادبی گذشته ایجاد میکند و از شاعران بزرگ به انحاء مختلف نام میبرد و به شیوه‌ای جدید از شعر و ادب پیشینیان بهره‌برداری مینماید.

رفوزه‌ها را باید مجموعه تمام‌نمای طنز زرویی به شمار آورد، چرا که همه هنرنماییهای او در طنز را میتوان در لابلای آن پیدا کرد. از طرفی این سروده‌ها در جامعه تأثیر خود را نشان داده است. بارها او را عبیدزاکانی عصر خوانده‌اند، چرا که طنز او همه ویژگیهای لازم را دارد، یعنی میخنداند، میگریاند و از همه مهمتر اینکه فکر و اندیشه را بیدار میسازد و با زبان شیرین و بدون تعارف، رک و راست به سراغ کم و کاستیها میرود و اخلاق و رفتار ناپسند را در هر حوزه‌ای رسوا میسازد و انتقادی آگاهی‌بخش در اختیار مخاطب قرار میدهد. جنبه اصلی طنز در این شیوه ایجاد لبخند و شیرینی در ذهن و لب خواننده است که بر قدرت این کتاب میفزاید.

منابع و مأخذ

- نشانه‌شناسی مطایبه، اخوت، احمد، انتشارات فردا، اصفهان، ۱۳۷۱.
- فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، اصلانی، محمدرضا، انتشارات کاروان، تهران: ۱۳۸۵.
- تاریخ طنز در ادبیات فارسی، جوادی، حسن، انتشارات کاروان، چاپ دوم، تهران: ۱۳۸۴.
- طنز گونه‌های ادب فارسی و انواع آن، حسینی کازرونی، سید احمد، بهار ادب، سال ۴، شماره اول، صص ۹۹-۱۲، ۱۳۹۰.
- مقدمه‌ای بر طنز و شوخ‌طبعی در ایران، حلبی، علی‌اصغر، انتشارات پیک، تهران: ۱۳۶۴.
- تاریخ طنز و شوخ‌طبعی در ایران و جهان اسلام، حلبی، علی‌اصغر، انتشارات بهبهانی، تهران: ۱۳۷۷.
- فرهنگ ادبیات جهان، خزائل، حسن، انتشارات کلبه، تهران: ۱۳۸۴.
- بررسی ویژگی‌های ساختاری محتوایی طنز در برنامه‌های رادیویی، داچک، مهری، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه پیام نور تهران مرکز، ۱۳۸۷.
- فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما، انتشارات مروارید، چاپ دوم، تهران: ۱۳۸۵.

- ژانر، دوبرو، هدر، فرزانه طاهری، نشر مرکز، تهران: ۱۳۸۹.
- رفوزه‌ها، زرویی نصرآباد، ابوالفضل، انتشارات نیستان، چاپ دوم، تهران: ۱۳۹۱.
- مکتب‌های ادبی، سیدحسینی، رضا، انتشارات نگاه، چاپ سیزدهم، تهران: ۱۳۸۵.
- شیوه‌ها و شگردهای طنز و مطایبه، شادروی‌منش، محمد، رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی، دوره ۱۸، ش ۷۳، ۱۳۸۴.
- پیش‌درآمدی بر طنز از منظر زبان‌شناسی، صفوی، کوروش، مجله آزما، ش ۳۶، ۱۳۸۴.
- نیشخند ایرانی، مجابی، جواد، انتشارات روزنه، تهران: ۱۳۸۳.
- هجو در شعر فارسی، نیکویخت، ناصر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۸۰.
- بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، وحیدیان کامیار، تقی، انتشارات زمستان، تهران: ۱۳۷۹.